

تکرو
(جلد اول: فرصتی دوباره)

چوگونگ

مترجم: صالحه ترابی نوا



تکر و جلد اول: فرصتی دوباره (مانهوا)

نویسنده: چوگونگ • مترجم: صالحه ترابی نوا
مدیرگروه ترجمه: اکرم شکرزاده • ویراستار: سمیه شکرزاده
ناشر: نگاه آشنا • طراحی جلد: مجید غلامحسینی
صفحه آرا: زیبا کتاب • تاریخ و نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۴
شمارگان: ۵۰۰ نسخه • شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۵-۱۵۰-۶
شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۵-۱۵۱-۳

کلیه حقوق این اثر ترجمه، متعلق به «انتشارات نگاه آشنا» می باشد و هرگونه خرید و فروش بامترجم و یا کپی از متن کتاب غیرقانونی بوده و قطعاً پیگرد قانونی خواهد داشت.

سرشناسه: چوگونگ، ۱۹۴۸-م.
Ch'ugong, ۱۹۴۸- عنوان و نام پدیدآور: نک رو/ چوگونگ؛ مترجم صالحه ترابی نوا.
مشخصات نشر: قم: نگاه آشنا، ۱۴۰۴- مشخصات ظاهری: ج.، مصور؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
شابک: دوره: ۳-۱۵۱-۳۸۵-۶۲۲-۹۷۸؛ ج.، ۶-۱۵۰-۳۸۵-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا یادداشت: عنوان اصلی: Nahonjamanlebel o[pp]
یادداشت: کتاب از عنوان انگلیسی Solo leveling به فارسی ترجمه شده است.
مترجمات: ج. ۱. فرصتی دوباره.
موضوع: داستان ها، مجله ها و فکاهیات تصویری -- ژاپن -- قرن ۲۱ م.
داستان های نوجوانان ژاپنی -- قرن ۲۱ م. مانگا (کتاب های تصویری) -- ژاپن
Japan -- Manga (Comic books) داستان های کره ای -- قرن ۲۱ م.
Korean fiction -- ۲۱st century شناسه افزوده: ترابی نوا، صالحه، ۱۳۶۹-، مترجم
رده بندی کنگره: PN۶۷۹۰ رده بندی دیویی: ۷۴۱/۵۹۵۲ [ج]
شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۵۹۹۳۱۰ اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

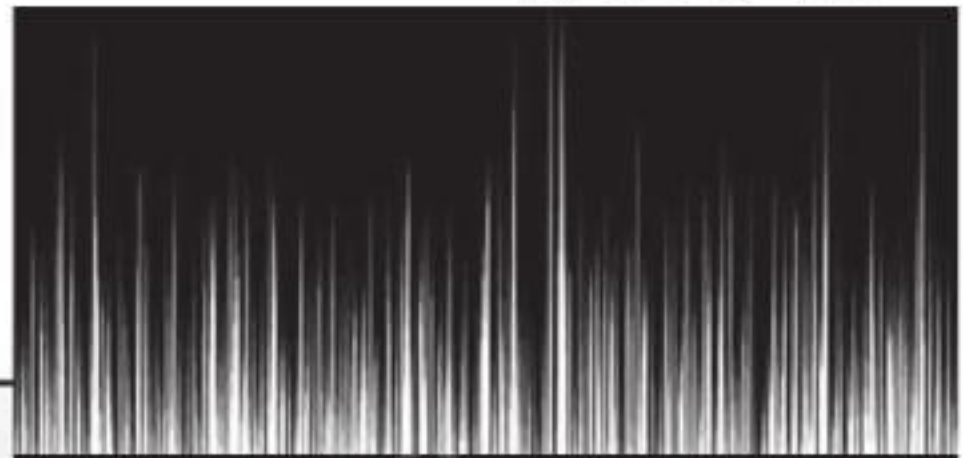


جین وو سونگ رده ای

اگه احیا و قدرت
نسبتاً غیرطبیعی م
رو ندید بگیری،



خجالت آورده که به خودم
شکارچی بگم.

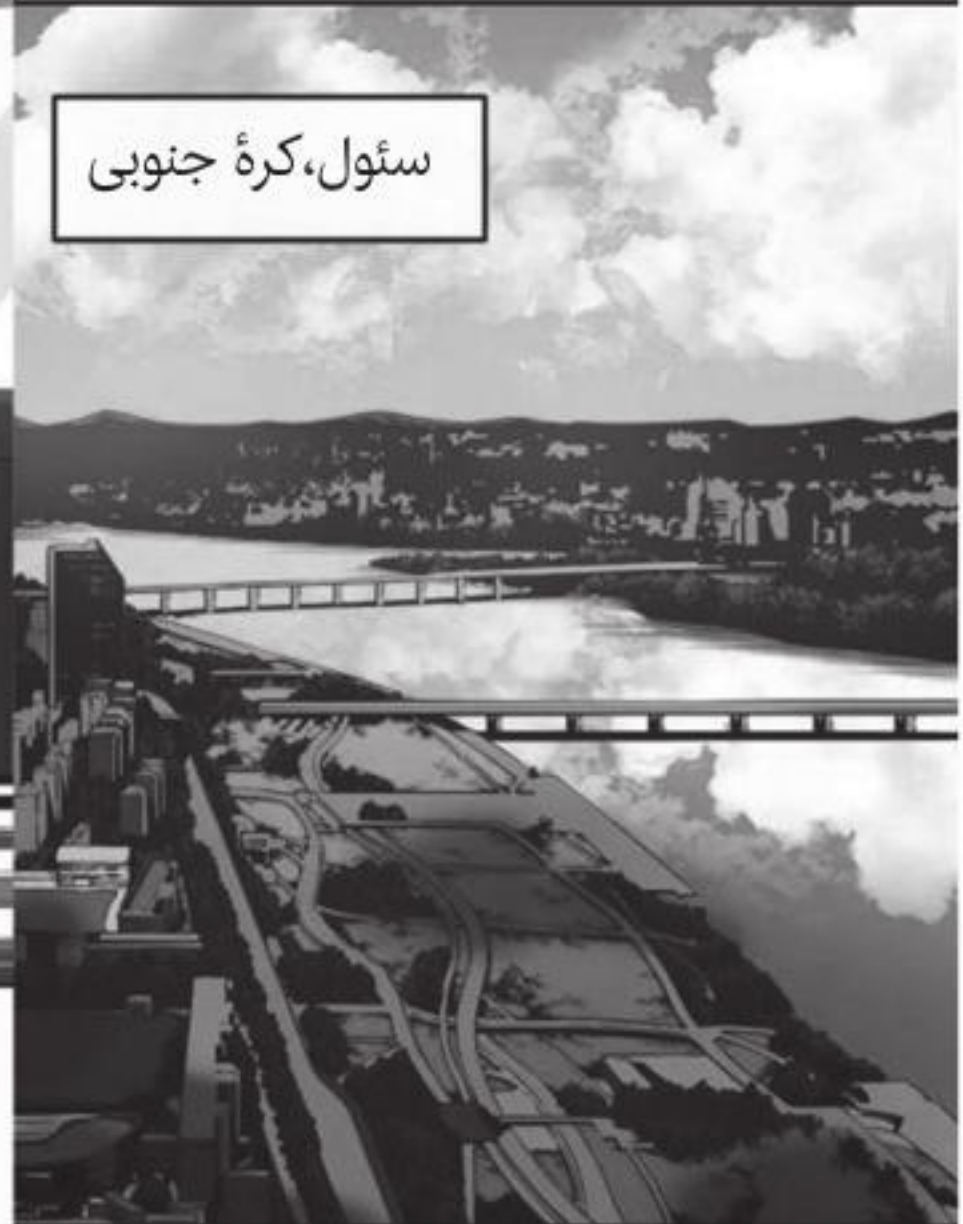


ویژرژ



چاک

سئول، کره جنوبی





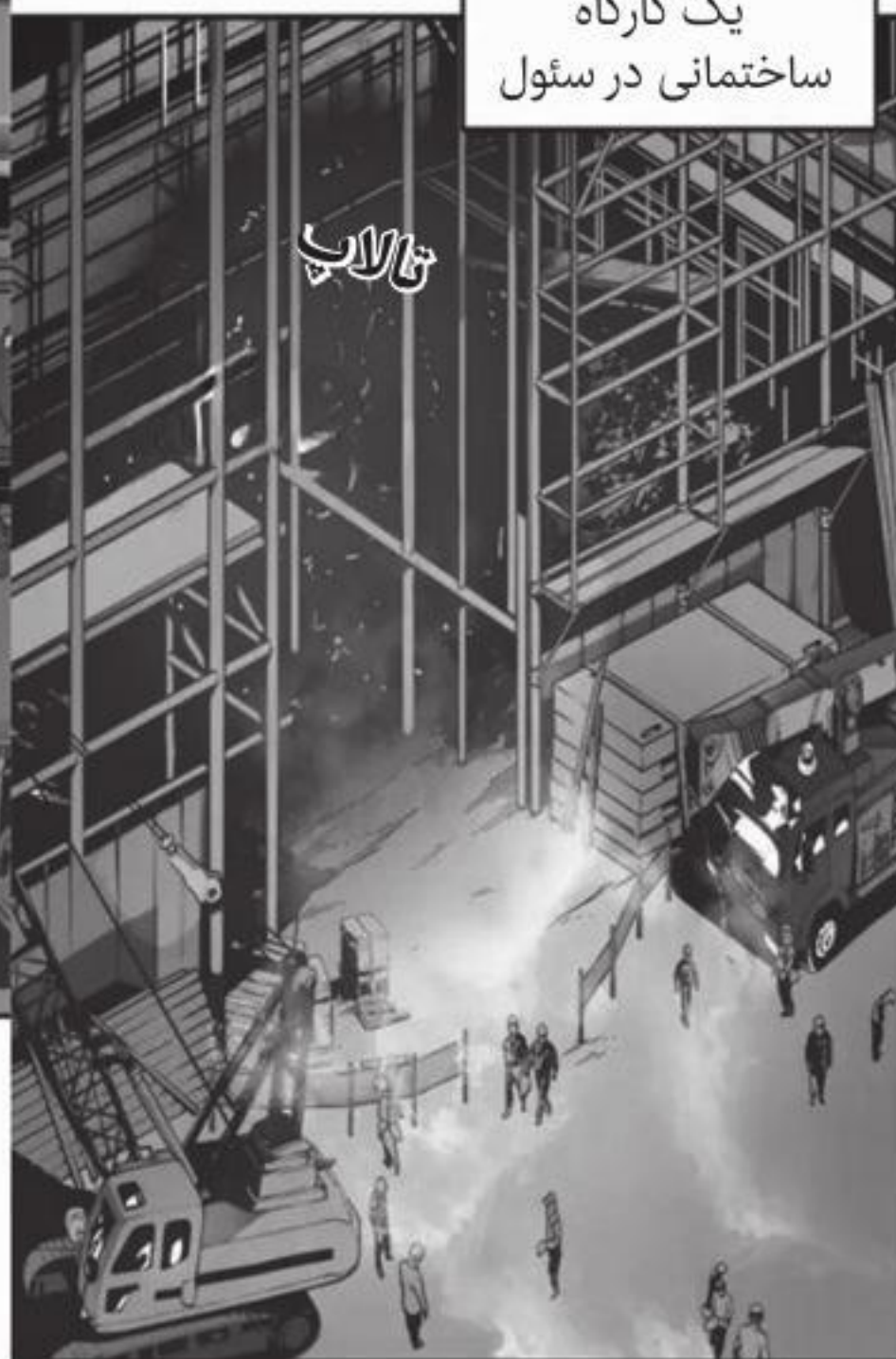
البته همیشه زخمی
می‌شم و حتی خیلی
وقتا روبه‌موت بوده‌م.



شکارچی بودن شغل
خطرناک‌یه و من از روی
علاقه اون رو انتخاب
نکرده‌م.



با حقوقی که از اتحادیه
شکارچیان می‌گیرم، به‌سختی
هزینه‌های درمان مادرم رو
می‌پردازم.



یک کارگاه
ساختمانی در سئول

برای آدم معمولی‌ای
مثل من که هیچ استعداد
و توانایی خاصی نداره،
چاره‌ای جز شکارچی شدن
وجود نداره.







ضعیف‌ترین
شکارچی بشریته.

ضعیف‌ترین یا
قوی‌ترین؟

اگه قوی‌ترین بود که
شکارچی رده اس می‌شد.
سونگ ضعیف‌ترین
شکارچیه.



حالا که اونم اومده،
یعنی حمله امروز
خیلی راحتیه.

آها...
فهمیدم.

به نظرم دیگه حرفش
رو نزنیم. ممکنه
صدامون رو بپاشه.
...هه هه...

همین الانشم دارم
صداتون رو می‌شنوم،
پیرمردای خرفت...
...ها



هه هه هه...
اون پسره بعد از رفتن تو
اومد این‌جا. لقبش...



اون قدر ضعیفه که
حتی تو سیاه‌چال
رده ای هم زخمی
می‌شه...

واقعاً ضعیف‌ترین
شکارچیه؟

آره، احتمالاً
از همه‌مون
ضعیف‌تره.

تا این حد
ضعیفه؟



سلام، می‌شه یه
فنجون قهوه بهم
بدید؟

سلام جین‌وو
سونگ. متأسفم،
قهوه تموم شده...











فصل ۲







یه سنگ ماهیت از یه
جونور رده سی هزاران
وون می‌ارزه.



اما چون جین‌وو یه شکارچی
رده ای بود، نمی‌تونست با
جونورهای جادویی رده سی
مبارزه کنه و شکستشون بده.

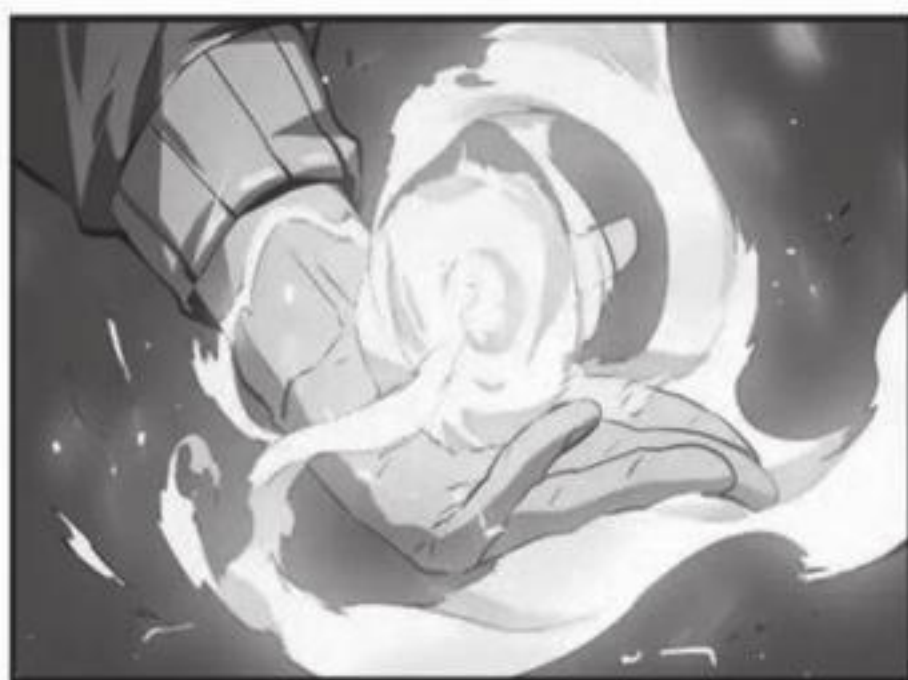
بعد از اون همه زحمت
و زخم‌وزیلی شدن،
فقط یه سنگ ماهیت
رده ای گیرم اومد...

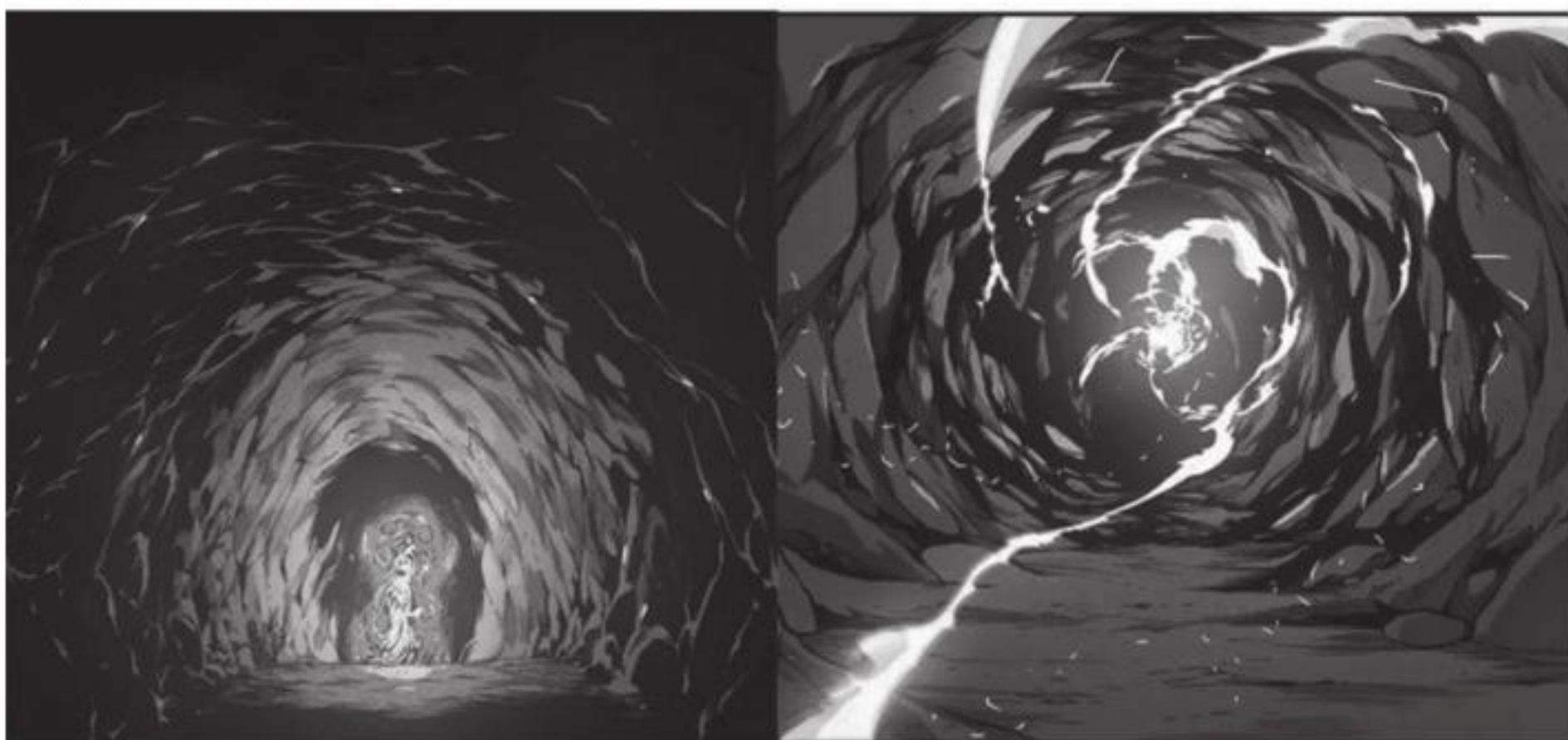


به‌خاطر این سنگ
جونم رو به خطر
انداختم، ولی اصلاً
ارزشش رو نداشت.

وقتی یه جونور
جادویی می‌کشی،
همچین چیزی گیرت
می‌آد.







از اون جایی که دروازه
هنوز بازه، پس معلومه
که رئیس سیاه چاله
اون داخله.

معمولاً ما باید به
اتحادیه گزارش بدیم و
بعد منتظر دستورشون
بمونیم، ولی...

هوم... همگی یه
لحظه به حرفام
گوش کنید.

تا وقتی که رئیس
سیاه چاله زنده باشه،
دروازه بسته نمی شه.



اگه شکارچی‌های
دیگه قبل از ما داخل
برن، غنیمت زیادی
نصیب ما نمی‌شه.



ولی چون ممکنه
خطرناک باشه، من
می‌گم رأی‌گیری کنیم،
نظرتون چیه؟



نظر من اینه که بریم
و رئیس سیاه‌چاله رو
بکشیم...